



فلسفه در پی جواب‌های لحظه‌ای نیست/اولین مواجهه با فلسفه معاصر غرب

کریم مجتهدی در نشست «فلسفه معاصر در ایران و ترکیه» با بیان اینکه فلسفه در پی جواب‌های آنی و لحظه‌ای نیست، گفت: فلسفه گشایش و وسعت ذهن است، فلسفه به جواب‌های آنی می‌خندد.

کریم مجتهدی در نشست «فلسفه معاصر در ایران و ترکیه» با بیان اینکه فلسفه در پی جواب‌های آنی و لحظه‌ای نیست، گفت: فلسفه گشایش و وسعت ذهن است، فلسفه به جواب‌های آنی می‌خندد.

به گزارش خبرنگار مهر، کریم مجتهدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نشست «فلسفه معاصر در ایران و ترکیه» که با همکاری مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و انیستیتو یونس امره تهران روز گذشته در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه برگزار شد درباره موضوع «فلسفه مقایسه‌ای در ایران معاصر» سخنرانی کرد.

مجتهدی گفت: مطالعات من در طول این سال‌ها نشان داد که سهروردی بخش اعظمی از نظریاتش را از آناتولی گرفته است بنابراین خیلی خوب است که امروز میزبان کشور دوست و همسایه ترکیه هستیم چون با آنها اشتراکات زیادی داریم.

وی افزود: من در جلسه امروز می‌خواهم درباره فلسفه مقایسه‌ای دکارت صحبت کنم، توجه کنید که من می‌گویم فلسفه مقایسه‌ای و نه فلسفه تطبیقی. دکارت در نظریات خود از تصور واضح و متمایز صحبت می‌کند. در سنت دکارت این تصور وجود دارد که واضح مترادف متمایز است در حالیکه اینطور نیست و متمایز با واضح فرق دارد چون متمایز مستلزم دو تصور است. همین مبحث نشان می‌دهد که نظریه دکارت برخلاف خودش بی‌واسطه نیست یعنی آنچه که باعث می‌شود من خودم را بشناسم جهان غیر از «من» است، به عبارتی «من» در مقابل شما می‌توانم از «من» سخن بگویم.

چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: طبق این مباحث می‌توانیم متوجه شویم که مبحث مقایسه کردن از ابتدای تفکر وجود داشته است و حتی وقتی به تحول تکوینی ادراک هم توجه کنیم می‌بینیم که در مراحل اولیه چیزی تشخیص داده نمی‌شود ولی لحظه‌ای که ادراک منجر به شناخت شود، پای مقایسه و سنجش وسط می‌آید. به عقیده من فلسفه همان تامل و تشخیص، تفاوت‌ها و شباهت‌ها و چگونگی‌های مختلف و به عبارتی فلسفه همان مقایسه و سنجش است.

مجتهدی اضافه کرد: در کتاب‌های سنتی ما اعم از منطق گفته می‌شود که دو امر یا باهم متباین‌اند یا مطابق‌اند، یا عموم و خصوص مطلقند و یا عموم و خصوص من وجه. تطابق و تباین که بدون ادامه هستند یعنی همین که مشخص شد امری متباین یا متطابق است تمام می‌شود ولی وقتی می‌گوئیم دو امر باهم رابطه عموم و خصوص من وجه یا عموم و خصوص مطلق دارند یعنی اینکه جواب آنها را نمی‌توان در لحظه داد پس آنها ادامه دارند. در امور عموم و خصوص من وجه دو چیز باهم مقایسه می‌شوند مثل فلسفه و کلام. در اینگونه موارد معمولاً نمی‌توانیم خیلی زود و فوری جواب دهیم و اگر فوری پاسخ دهیم ما را ساده لوح می‌دانند.

این استاد فلسفه گفت: فلسفه گشایش و وسعت ذهن است، فلسفه در پی جواب‌های آنی و لحظه‌ای نیست و به جواب‌های آنی می‌خندد. بنابراین مباحث برای مقایسه دو فیلسوف نباید شتابزده و عجولانه عمل کرد و حرف زد مگر اینکه بخواهیم مصادره به مطلوب کنیم و مسئله را دور بزنیم. به طور کلی من معتقدم آنچه که امروزه در ایران به آن تحت عنوان فلسفه مقایسه‌ای پرداخته می‌شود خیلی عمیق نیست. شاید در مقایسه ادبیات، اشعار و اساطیر موفق باشیم ولی در فلسفه اینطور نیست.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه به تعدادی از ادبیات و شعرهای مقایسه‌ای اشاره کرد و گفت: مثلاً داستان ویس و رامین اسعد گرگانی تقریباً معادل داستان تریستان و ایزولت غربی است یا مثلاً داستان ادیب یونانی شباهت دارد به داستان سهراب کشی رستم در شاهنامه. از این مقایسه‌ها معلوم می‌شود که در شرق سنت، تجدد را تحت سلطه دارد ولی در غرب تجدد، سنت را تحت سلطه دارد.

مجتهدی در ادامه سخنانش از ورود گوینو به ایران گفت و توضیح داد: فلسفه‌های ایرانی و غربی موجود مربوط به ۵۰-۶۰ سال پیش یعنی عصر معاصر هستند چون پیش از آنها چنین چیزهایی وجود نداشته است. در دوره‌ی ناصرالدین شاه گوینو که به گفته خودش علاقمند به فلسفه بوده به تهران می‌آید و دستور می‌دهد که کتاب «گفتار در روش» دکارت به زبان فارسی ترجمه شود. به گفته گوینو دکارت هیچ شباهتی به متفکران ایرانی ندارد و دقیقاً به همین دلیل هم می‌خواسته که اثر دکارت ترجمه

شود تا ایرانی‌ها آن را بخوانند و ببینند چه خبر است و چه چیزهایی می‌توانند برای آینده خود به دست بیاورند غافل از اینکه ترجمه منتشر شده از کتاب دکارت اصلاً خوب و قابل استفاده نبوده است. به طوریکه حتی عنوان کتاب «حکمت ناصریه» ترجمه شده است.

وی افزود: یکی از شاهزادگان قاجار که از نوادگان فتح‌علی‌شاه بوده، بدیع‌الملک میرزا نام داشته که چون کمی زبان فرانسوی بلد بوده، با فلسفه غرب آشنایی داشته است. او فهمیده بود که علوم جدید مبتنی بر مفهوم نامتناهی هستند به همین دلیل هم به جستجو و کندوکاو در این موضوع می‌پردازد و از حکیم زنوزی که در آن زمان خیلی معروف بوده هفت سوال فلسفی می‌کند و جواب‌های زنوزی نشان می‌دهد که او یک مقداری هم از کانت می‌دانسته است. از این هفت سوال فلسفی شش سوال اول درباره زمان و مکان و متقدم و متاخر بودن آن است ولی سوال آخر درباره فلاسفه غربی است و در این سوال اسامی کسانی چون دکارت، لایب نیتس و بیکن آمده است. این سوال و جواب‌ها همگی در قالب یک کتاب منتشر شدند و وقتی این سوال و جواب‌ها را می‌خوانیم متوجه سوء تفاهم میان پرسشگر و پاسخ دهنده می‌شویم. چون وقتی بدیع‌الملک از دکارت و لایب نیتس و اینها می‌پرسد، زنوزی جواب‌های سنتی و مشایی می‌دهد و بیشتر جواب خودش را می‌گوید تا اینکه جواب سوال او را بدهد به همین دلیل هم کتاب بیشتر رنگ و بوی مشایی دارد. با این حساب ما حتی اگر این کتاب را هم نوعی فلسفه مقایسه‌ای بدانیم باز هم می‌بینیم که برایمان فایده‌ای ندارد و چیزی عایدمان نمی‌شود.

نویسنده کتاب «فلسفه تاریخ» در ادامه مبحث فلسفه مقایسه‌ای به آثار دیگری اشاره کرد و ادامه داد: کتاب «دو فیلسوف غرب و شرق» نوشته حسینعلی راشد که در سال ۱۳۴۶ منتشر شد هم نمونه دیگری از فلسفه مقایسه‌ای است که در آن ملاصدرا و اینشتین باهم مقایسه شده‌اند، این کتاب هدف خوبی داشته ولی من درباره نتیجه‌ش اظهار نظر نمی‌کنم فقط همانقدر بگویم که در این کتاب مقایسه معنی نمی‌دهد. علاوه بر آن کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبائی هم جنبه تاریخی دارد و براساس نیاز آن عصر نوشته شده ولی با این حال در مقدمه کتاب آمده که مطالب غربی از شبلی شمیم، فیلسوف مصری گرفته شده است.

مجتهدی در پایان گفت: فلسفه مقایسه‌ای همان تاریخ فلسفه است و کسی که بخواهد تاریخ فلسفه بخواند باید آن را به صورت مقایسه‌ای مطالعه کند.